

## ضوابط و پیامدهای تفهیم اتهام

### سعید غیاثوند<sup>۱</sup>، طلعت رشیدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

#### چکیده

یکی از حقوق اصلی و قانونی متهم آن است که در رابطه با جرم و اتهاماتی که به او نسبت داده شده مدارک و ادله موجود، ارتباط میان متهم با ادله باید به طور کامل برای او توضیح داده شود. وی باید در جریان کامل اتهام منسوبه قرار بگیرد که در قانون به آن تفهیم اتهام گفته می‌شود. تفهیم اتهام، تبیین و تشریح عمل مجرمانه ارتكابی، دلایل و پیامدهای قانونی آن به متهم است به نحوی که از موقعیت قضایی و حقوقی خود به طور کامل مطلع شود. این تأسیس به عنوان یکی از آثار اصل برائت، تضمینی اساسی برای عادلانه بودن دادرسی است که در حقوق ایران و اسناد بین المللی حقوق بشر به صراحت از آن سخن گفته شده است. اما برخلاف اسناد بین المللی که برانجام تفهیم اتهام با رعایت شرایط و ویژگی های مشخص شده در این اسناد تأکید گردیده و عدم رعایت آن موجب نقض دادرسی عادلانه دانسته اند، در قوانین ایران به صورت مشخص به این تأسیس پرداخته نشده است. تفهیم اتهام نقطه آغازین تحقیق و دفاع متهم است، درعین حالی که چارچوب و رویکرد تحقیق مقام قضایی را مشخص می‌کند، از جمله حقوق بنیادین دفاعی متهم نیز محسوب می‌گردد. حق بنیادی است، ازای جهت که دفاع متهم در برابر اتهام یا اتهامات مطورحه یا منتسب به وی و عندالزوم انکار آن، در گرو آگاهی متهم ازاین اتهام یا اتهامات است. کیفیت دفاع متهم، با میزان اطلاعات و آگاهی او از اتهام و دلایل آن تناسب دارد. وابستگی حق دفاع و حق اطلاع از اتهام، تا حدی است که وجود حق اطلاع، زمینه و مقدمه لازم و ضروری اعمال حق دفاع است. تفهیم اتهام براساس حقوق داخلی و اسناد بین المللی حقوق بشر از ضوابط و آثاری چند برخوردار است که رعایت و برخورداری از آنها درنهایت دادرسی عادلانه را در پی خواهد داشت.

**واژه‌های کلیدی:** دادرسی عادلانه، تفهیم اتهام، اسناد بین المللی، حقوق شهروندی

#### مقدمه:

بحث تفهیم اتهام از اصلی ترین حقوق متهم و از وظایف بازپرس محترم پرونده می باشد. این تفهیم باید به صورت زبانی صورت پذیرد و به گونه ای بیان شود که برای شخص متهم قابل فهم باشد. در مواردی که متهم با اصطلاحات که در قانون و در حقوق استفاده می شود آشنایی ندارد تفهیم باید با بیان ساده اما مشخص صورت بگیرد. ذکر عنوان مجرمانه جزائی صرف نظیر "جعل مفادی" به متهمی که ممکن است هیچ آشنایی با مفاهیم این عناوین نداشته باشد را، نمی توان تفهیم اتهام صحیح به معنای مورد نظر قانونگذار دانست. در رابطه با این موضوع دست اندرکاران قضایی و انتظامی در زمینه تفهیم اتهام، وظایفی را بر عهده دارند و همچنین ضابطان دادگستری بدون تعیین تکلیف توسط احکام قضایی بیش از ۲۴ ساعت نمی توانند شخص متهم را در بازداشت نگه دارند. فرد متهم از منظر قانون دارای یک سری حق و حقوق می باشد که یکی از این موارد سکوت آن در مقابل سوالات بازپرس پرونده است. داشتن وکیل یکی از بارز ترین و اصلی ترین حقوق متهمان است، ملاقات با دوستان و اقوام درجه یک در هنگام بازداشت موقت و همچنین بر تن نکردن لباس مخصوص زندان و سایر مقررات مربوط به زندانیان از حقوق مسلم متهمان است.

#### مبحث اول: ضوابط حاکم بر تفهیم اتهام

با اعتقاد به اینکه تفهیم اتهام یکی از آثار و نتایج بارز اصل برائت است و با اعتقاد به اینکه تأسیس مذکور برای تضمین حقوق دفاعی متهم ایجاد شده است، اسناد بین المللی و منطقه‌ای حقوق بشر علاوه بر تکلیف تفهیم اتهام به متهم، رعایت ضوابط و تشریفات را حین تفهیم اتهام ضروری دانسته است که بعضاً در حقوق ایران مغفول مانده است، این ضوابط طی شش گفتار جداگانه شایسته بررسی است.

#### گفتار اول: سرعت و فوریت تفهیم اتهام

تفهیم اتهام نقطه شروع تحقیق از متهم و دفاع او از خود است. با تفهیم اتهام متهم متوجه موقعیت و وضعیت خود می شود. لزوم فوریت آن، مانع از این است که مقام تحقیق آن را به تأخیر انداخته تا بتواند پس از طرح سؤالات پی در پی از متهم و اخذ پاسخ وی، او را با تفهیم اتهام معوق، دفعتاً غافلگیر نموده و با استناد به پاسخهای اولیه متهم، راه دفاع را بر او مسدود یا تنگ نماید. تفهیم اتهام اعلام هشدار و آماده باش به متهم بوده و سرعت در آن موجب سرعت در اطلاع رسانی شده و در راستای تأمین اهداف این تأسیس است بطوری که تأخیر در تفهیم اتهام مانع تحقق اهداف آن می شود. هر قدر تفهیم اتهام با تأخیر صورت گیرد، فرصت و وقت متهم را برای دفاع تنگتر می کند. لذا می توان گفت سرعت در تفهیم اتهام متضمن ایجاد فرصت دفاع برای متهم و برخورداری وی از تسهیلات دادرسی است. النهایه تأخیر در آن، نقض مؤلفه دیگری از دادرسی عادلانه یعنی تأمین فرصت و تسهیلات کافی و مناسب را در پی دارد.

در حقوق ایران از سرعت در تفهیم اتهام در اصل ۲۳ ق.ا و مواد ۵۵، ۵۲، ۴۶ ق.ا.د.ک با قید بلافاصله سخن گفته شده و مواد ۱۹۳ الی ۱۹۷ و مواد ۳۵۶ و ۳۵۸ قانون ق.ا.د.ک بدون اینکه صراحتاً از لزوم سرعت در تفهیم اتهام سخن گوید، از تقدم آن بر تحقیق یا رسیدگی سخن گفته که مبی لزوم سرعت در تفهیم اتهام است.

همچنین در اکثر اسناد بین المللی و منطقه‌ای حقوق بشر هر جا سخن از آگاهانیدن از موضوع و دلایل اتهام است. قید فوری بودن نیز ذکر شده است آنگونه که در ردیف الف بند ۳ ماه ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۳ ماده ۵ و شق الف بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، آمده است: «هر کس در مظان اتهام به ارتکاب جرم قرار گیرد حق دارد در کوتاهترین زمان ممکن به زبانی که با آن آشناست به تفصیل از ماهیت اتهامی که متوجه او شده آگاه شود.»

«دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آراء جید خود در قضیه ماتوچیا علیه ایتالیا در ۲۵ ژوئیه سال ۲۰۰۰ به نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز جزء الف بند ۳ همان ماده با این استدلال که متهم سریعاً و به تفصیل از دلایل اتهام وارد بر خود مطلع نگشته است به پایمال شدن حق دفاع اظهار عقیده کرده است؛ ماتوچیا تبعه دولت ایتالیا، راننده اتوبوس ایاب و ذهاب کودکان عقب مانده ذهنی یکی از مدارس شهر رم بوده است که در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰ متهم به تجاوز به عنف به یکی از دانش آموزان دختر همین مدرسه می شود که نهایتاً به همان اتهام نیز محکوم و حکم صادره علیه او در نهایت در دیوان عالی ایتالیا مورد تأیید قرار می گیرد با این همه، در احکام صادره زمان دقیق ارتکاب جرم و محل تعرض جنسی تغییر می یابد و هرگز کاملاً مشخص نمی شود. متعاقب برشکایت ماتوچیا کمیسیون اروپایی حقوق بشر، پس از رسیدگی نقض بندهای ۱ و ۳ از ماده ۶ کنوانسیون، ناظر بر دادرسی منصفانه را اعلام می دارد زیرا تمامی اطلاعات مربوط به اتهام (زمان و مکان ارتکاب جرم) در اختیار متهم قرار داده نشده و در نتیجه اطلاع رسانی ناقص به ارائه دفاعیه‌ای نارسا منجر شده است...»<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: مفصل بودن تفهیم اتهام

قید به تفصیل ترجمه فارسی کلمه انگلیسی *in detail* است و مفهومی فراتر از کامل بودن دارد. موضوع اتهام نه فقط باید بطور کامل به متهم تفهیم شود، بلکه در مقام تفهیم اتهام باید جزء به جزء اتهام به متهم تفهیم شود مثلاً در تفهیم اتهام سرقت، ارزش مال مسروقه و نوع جنس آن باید تفهیم گردد.

علیرغم اینکه در همه اسناد بین المللی پیش گفته، از ویژگی مفصل بودن تفهیم اتهام سخن رفته، در قوانین ایران چنین ویژگی برای تفهیم اتهام پیش بینی نشده است.

کمیته حقوق بشر در قضایای مختلف بر این نکته تأکید کرده است، اطلاعات باید صریح و دقیق بوده و از یک سو شامل جزئیات دلایل و حقایق مربوط به جرم از جمله مشخصات بزه دیده باشد و از سوی دیگر توصیف قانونی مسأله را به صورتی که برای متهم قابل فهم باشد دربرگیرد، در واقع هرگونه اطلاعاتی که به منظور دفاع مناسب فرد از خویش ضروری است باید در اختیار او گذاشته شود.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>-Mattoccia.

- آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، منبع پیشین، صص ۳۵۱-۳۵۲.

- به نقل از: محمدی مجانجوقی، فاطمه، اصول حاکم بر دادرسی منصفانه، مقررات داخلی و بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم <sup>۲</sup> شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۶۲.

### گفتار سوم: صریح بودن تفهیم اتهام

تفهیم اتهام نباید با الفاظ کنایه آمیز یا به تعریض و با عبارات کلی و مبهم صورت گیرد. البته وقتی تفهیم اتهام به تفصیل باشد خود به خود تا حد زیادی صراحت نیز دارد. یکی از عللی که می‌تواند به عدم صراحت اتهام تفهیم شده دامن بزند، عدم تشخیص دقیق وصف اتهامی توسط مقام قضایی است. معمولاً اگر تفهیم اتهام، همراه با مطلب دیگری خطاب به متهم نباشد، به صراحت آن کمک می‌کند. ویژگی صراحت اتهام، در اسناد بین المللی پیش بینی نشده هرچند سایر ویژگی‌های که ر این اسناد برای تفهیم اتهام پیش بینی گردیده تأمین کننده صراحت آن می‌باشد. در حقوق ایران نیز فقط ماده ۱۹۵ ق.ا.د.ک آن را از خصوصیات تفهیم اتهام برشمرده است و براین اساس مقام قضایی مکلف شده است موضوع و دلایل اتهام را به صورت صریح به متهم تفهیم نمایند؛ بنابراین قاضی از تفهیم اتهام به شکل مبهم و نامشخص و صرف به کارگیری عنوان دلایل موجود، ممنوع شده است به عبارت دیگر قاضی نمیتواند به متهم بگوید اتهام شما به شرح مندرج در پرونده با توجه به دلایل موجود به شما تفهیم می‌شود. ای امر نقض صریح قانون و تخلفی آشکار از موازین قانونی است که به موجب ماده ۲۰ نظامنامه تقصیرات انتظامی قضایی قابل تعقیب است؛ به موجب ماده فوق الذکر که بیان داشته: «سپس موضوع اتهام و دلایل آن به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند...»

### گفتار چهارم: به زبان قابل فهم بودن تفهیم اتهامی

لازمه عقلی تفهیم اتهام، فهم زبان مورد استفاده در دادرسی از سوی متهم است. طبعاً متهمی که به هر دلیلی از فهم زبان دادرسی عاجز است، نه خودش از اتهام مطورحه مطلع می‌شود و نه می‌توان به وی تفهیم کرد. تفهیم اتهام مستلزم تسلط متهم به فهم زبان دادرسی است و صرف آشنایی متهم به این زبان که اصطلاحاً موجب فهم دست و پاشکسته مذاکرات با اطلاع از نحوه دادرسی می‌گردد و همچنین توانایی وی به صرف سخن گفتن به زبان مزبور، برای تفهیم اتهام کفایت نمی‌کند.

وقتی اسناد بین المللی ویژگی به زبان قابل فهم بودن تفهیم اتهام، را برای همه متهمین لازم می‌دانند به طریق اولی در مورد متهمی که بنا به کر و لال بودن از همه چیز در مورد خود بی اطلاع می‌ماند، الزامی است. اهمیت این ویژگی بیشتر می‌شود وقتی که می‌بینیم امروزه با توسعه وسایل حمل و نقل و افزایش انگیزه‌های مهاجرت، افرادی که به زبان رسمی کشور دیگری بیگانه یا نا آشنا بوده، به آن کشور مسافرت نموده یا ساکن موقت یا طولانی مدت آن کشور می‌شوند.

البته نباید تصور شود که این ویژگی فقط برای اتباع بیگانه کاربرد دارد. چه بسا اتباع داخلی یک کشور با اصطلاحات حقوقی کشور متوبعه خود آشنایی ندارد طبیعی است در مورد این افراد نیازی به مترجم یا مفسر نیست. ولی اتباع خارجی، دسترسی به کارشناس یا مترجم رایگان به عنوان یکی از تسهیلات لازم رای دفاع، ضروری می‌باش.

در حقوق ایران، از لزوم این خصوصیت در تفهیم اتهام، سخن نرفته در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به وجود عناوین مجرمانه عربی در قوانین جزایی لازم است اتهام با زبان قابل فهم تفهیم شود. البته در مواد ۲۰۰، ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.ا.د.ک از تعیین دو

- عناوین مجرمانه ای چون زناى محصنه، قذف، تفخیز محاربه، مساحقه، فوادی و امثال آن از جمله عناوینی هستند که باید به زبان قابل فهم و ساده<sup>۴</sup> به متهمین تفهیم شود.

نفر مترجم مورد وثوق و یا انجام اقدام لازم برای تحقیق از متهم، از طریق اشخاص خبره سخن رفته که تاحدودی می‌توان از آن به لزوم قابل فهم بودن اتهام تعبیر کرد.

گفتنی است در همه مواد اسناد بین المللی که در این پایان‌نامه به آنها استناد شده، شرط یا ویژگی به زبان قابل فهم بودن اتهام، و همچنین ابراز احتمالی آن یعنی دسترسی به کارشناس یا مترجم رایگان، تصریح گردیده شده است.

### گفتار پنجم: کتبی بودن تفهیم اتهام

تفهیم اتهام و ذکر دلایل ضمن ابلاغ شفاهی به متهم طبق اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا باید مکتوب و در صورت مجلس قید و به امضاء برسد که در صورت امتناع از امضاء قاضی مراتب را در صورت مجلس قید می‌نماید. ماده ۱۹۹ ق.ا.د.ک نیز تلویحاً به این موضوع اشاره دارد: «پاسخ پرسشها باید بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود و پس از قرائت برای متهم به امضاء یا اثر انگشت او برسد. متهم باسواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.» به طریق اولی باید عنوان اتهام و دلیل آن در صورت جلسه قید شود تا معلوم شود متهم، به چیزی پاسخ داده است.

با توجه به اصل کتبی بودن تحقیقات، عملاً در رویه قضایی بصورت کتبی تفهیم اتهام می‌شود. لیکن در هیچ یک از اسناد حقوق بشری تفاوتی میان کتبی یا شفاهی بودن نوع اطلاع رسانی دیده نمی‌شود. آنچه مهم است، آگاهی واقعی متهم از موضوع اتهام و فرصت و تسهیلاتی است که برای دفاع از خود به وی اعطاء می‌شود.

### گفتار ششم: شخصی بودن تفهیم اتهام

در حقوق ایران و اسناد بین المللی از ای ویژگی تفهیم اتهام سخن نرفته است. تفهیم اتهام قائم به شخص متهم و مستلزم حضور وی در زمان تفهیم اتهام است. چون این متهم وکیل داشته باشد نمی‌توان به جای متهم، به وکیل او حتی در دادرسی غیابی تفهیم اتهام به شخص متهم، مانع جریان رسیدگی و صدور حکم و حتی احراز مجرمیت متهم نیست ولی با دسترسی بعدی به متهم، تفهیم اتهام به وی باید انجام پذیرد. اگر معتقد به تفهیم اتهام به وکیل متهم به جای متهم باشیم، درحقیقت تکلیف مقام قضایی در تفهیم اتهام را بردوش وکیل گذاشته ایم. الزامی بودن حضور متهم برای انجام تفهیم اتهام و شخصی بودن آن، از این امر نیز استنباط می‌شود که چون حداقل در حقوق ایران، متعاقب اتهام باید قرار تأمین کیفری صادر کرد و برای صدور قرار مزبور حضور متهم لازم است، پس همیطور برای انجام تفهیم اتهام، متهم باید حضور داشته باشد.

### مبحث دوم: آثار تفهیم اتهام

تفهیم اتهام از یک طرف هم ذهن کنجکاوانه و پرسشگر متهم را پاسخ داده و هم اینکه مبنای تعیین خط مشی دفاع او قرار می‌گیرد، از طرف دیگر تعیین کننده خط مشی تحقیق و هدف و رویکرد آن بوده و مانع از انحاف تحقیق از خط سیر خود، و طرح ادعاهای پراکنده یا گمراه کننده می‌شود.

### گفتار اول: اثر روانی تفهیم اتهام

اگر دانستن هر چیزی حق آدمی است، دانستن چیزی که مربوط به وضعیت و سرنوشت قضایی خود آدمی است، حق اولی است. متهم بنا به طبیعت انسانی خود، پس از دریافت احضاریه و به طریق اولی پس از جلب برای انجام تحقیق، ذهنش کنجکاو شده و در پی فهم علت خوب یا بد احضار و انجام تحقیق از خود است. انگیزه او در کشف علت احضار یا تحقیق، کمتر از انگیزه هم‌مقام تحقیق در انجام تحقیق از او نیست. متهم سعی دارد از لابلای سؤالات پرسشگر به جواب پرسش خود برسد و در این راه از کسانی که تحت هر عنوان او را دلالت کرده یا هم ردیف او هستند مدد می‌جوید. طرح سؤالات تحقیقی، نه تنها جواب ذهن کنجکاو او را نمی‌دهد بلکه حرص او را در فهم هدف تحقیق بیشتر می‌نماید. صرف متهم بودن نیز به دغدغه او خاتمه نداده و تلاش دارد که با فهم عنوان دقیق اتهام، خیال خود را از این جهت هم که شده راحت کند. کنجکاو در مورد متهمی که از همه چیز راجع به خود بی‌خبر است، موجب بیتابی زایدالوصفی است. بی‌تابی متهم، دقت او را در پاسخگویی به سؤالات مستنطق روبرو تحلیل می‌برد. در این مسیر حتی نباید از مطالب خلاف واقعی غافل شد که متهم فقط به انگیزه کسب اطلاع از پزونده و سرنوشت خود اعلام می‌کند. اطرافیان و خانواده متهم نیز در این وضعیت چیزی از او کمتر ندارند. خروج از این دغدغه با تفهیم اتهام صورت می‌گیرد. هر چند بیم سلب حقوق و آزادیهای فردی، تا پایان دادرسی و صدور حکم قطعی، روان او را آزاد می‌دهد.

اگر بتوانیم احساسی که پس از فراخوانی مجهول علت رئیس اداره، به کارمند مدعو دست می‌دهد، پیش بینی کنیم، در این صورت می‌توانیم خبر از حال متهمی دهیم که توسط یک مقام قدرتمند قضایی احضار و چند بارو برای ساعتی مورد پرسش قرار گرفته بدون اینکه توانسته باشد به موجب تفهیم اتهام، علت را دریابد.

### گفتار دوم: آثار حقوقی تفهیم اتهام

در کنار اثر روانی غیقابل انکاری که تفهیم اتهام برای متهم دارد، باید از اثر دو سویه حقوقی آن حسب موارد برای متهم و مقام قضایی سخن گفت.

۱- در تبیین یکی از آثار حقوقی تفهیم اتهام، حقوقدانان می‌گویند که با انجام آن، هویت قضایی مظنون یا مشتکی عنه به متهم تغییر می‌یابد. البته این امر در حقوق کشورهای باید مطرح گردد که اثر عملی بر این تفکیک هویت باز باشد. در حقوق ایران با تفهیم اتهام، مشتکی عنه تبدیل به متهم شده و استفاده از سایر حقوق دفاعی مانند حق سکونت و استفاده از معاضدت وکیل مدافع آغاز می‌شود. باز پرس نیز موظف می‌گردد که از این پس چگونه پرسش را در ارتباط با موضوع اتهام مطرح کند.<sup>۵</sup>

حداقل در حقوق ایران، اثر عملی بر تمییز و تفکیک متهم از مشتکی عنه یا مظنون مترتب نیست و مقنن نیز عنوان متهم را مختص کسی که تفهیم اتهام شده ندانسته و معمولاً از طرف مقابل شاکی، چه تفهیم اتهام شده و چه نشده باشد، به عنوان متهم یاد کرده است. حتی بعضاً دو عنوان متهم و مظنون را در کنار هم بکار برده است.<sup>۶</sup>

در قوانین قبلی تا تصوب قانون جدید دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار در سرتاسر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ جمعاً دوباره آن هم در بند فوق و بند د ماده ۶۹ از لغت مظنون استفاده کرده بود و فقط یکبار آن هم در بند مزبور از لغت مشتکی عنه یاد می‌کند، لذا نمی‌توان گفت مقنن در بند د ماده ۶۹ قانون مزبور که از ذکر مشتکی عنه یا مظنون در متن شکایت

۵- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، منبع پیشین، ص ۱۳۵.

۶- بند ج ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸.

سخن گفته در کاربرد ای عناوین، به مفهوم اصطلاحی آنها توجه داشته است. النهاییه می‌توان گفت در مواردی که مقنن از متهم سخن می‌گوید، منصرف از مشتکی عنه یا مظنون است.

درجایی دیگر در مقام تفکیک عناوین متهم و مظنون در عرصه جزای بین المللی گفته شده: از هنگامی که مقام صالح تعقیب، بطور رسمی ادعای مجرم بودن شخص را مطرح می‌کند و برای او تقاضای کیفری می‌نماید، تبدیل وضعیت و تغییر موقعیت حادث می‌شود، یعنی شخص از موقعیت مظنون به موقعیت متهم منتقل می‌شود. مطابق مقررات دیوان کیفری بین المللی جدید این هنگامی واقع می‌شود که یک یا چند فقره از جرایم انتسابی مندرج در کیفرخواست علیه شخص، توسط ارگان قضایی دادگاه (قاضی تحقیق یا شعبه مقدماتی) تأیید شده باشد.<sup>۷</sup>

در اسناد بین المللی نیز وقتی سخن از برخورداری از حقوق دفاعی شده، لغت هر کس یا هر فرد و نه متهم بکار رفته است.<sup>۸</sup>

۲- اثر حقوقی دیگری که بر تفهیم اتهام بار است و جنبه عملی دارد، اثری است که ماده ۱۳۲ ق.ا.د.ک می‌گوید و آن اینکه پس از تفهیم اتهام، مقام قضایی در صورت لزوم مکلف به صدور قرار تأمین کیفری است. در عمل ترتیب اثر مزبور در خیلی از مواردی که متهم آمادگی تأمین را ندارد، موجب عدم تمایل مقام قضایی به تفهیم اتهام و نتیجتاً تدخیر در آن می‌شود.

۳- اثر مهم حقوقی دیگر تفهیم، که در فصل قبل نیز تا حدودی مورد اشاره واقع شده این است که از یک طرف تعیین کننده مسیر تحقیق قضایی و رویکرد و هدف آن بوده و از طرف دیگر متهم با توجه به اتهام تفهیم شده، خطوط دفاعی خود را تنظیم و با محوریت آن از خود دفاع و عنداللزوم اتهامات منتسب ا رد می‌کند ضمن اینکه امکان اعتراض وی به دستگیری و بازداشت فراهم می‌گردد.

#### مبحث سوم: حقوق متهم پس از تفهیم اتهام

یکی از مهمترین تضمینهای اجرای دادرسی عادلانه شناسایی حق دفاع در برابر اتهامات وارده است، از این رو اکثر اسناد بین المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین داخلی ایران در برابر اتهامات وارده حقوقی برای متهم شناسایی و تضمین کرده‌اند که با تکیه بر آنها بتوانند دفاع مطلوبی ارائه دهد؛ لذا در این مبحث صرفاً حقوقی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت که برخورداری از آنها تأثیر بردفاع متهم خواهد داشت.

#### گفتار اول: حق سکونت

حق ساکت ماندن یا خود داری از پاسخگویی از زمره حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود که در مراحل مختلف یک فرایند کیفری باید مورد حمایت قرار گیرد، و از آنجایی که بیگناهی هر فرد مفوض است، هیچ‌گونه تکلیفی به همکاری در دادرسی وجود ندارد.

پس، حق سکونت اختصاص به مرحله تحقیق ندارد بلکه در طول دوره دادرسی استمرار می‌یابد اما در مراحل نخست تحقیق و رسیدگی مقدماتی که دادستان در صدد تهیه ادله ای دایر بر اعتقاد به مجرم بودن شخص است شامل منع هرگونه فشار و اجبار فیزیکی یا روانی بر شخص است، که از آن به حق مصونیت از مجبور شدن به خود اتهامی یا اقرار به جرمیاد می‌شود، ولی پس از

- فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی، منبع پیشین، ص ۳۵۹.

<sup>۸</sup>- everyone or anyone.

آنکه دادستان تصور می‌کند دلایل کافی برای اعتقاد به مجرم بودن فراهم آمده است، و دیگر نیاز به اقرار شخص ندارد از آن به حق سکونت تعبیر می‌شود.<sup>۹</sup>

آنچه به مقتضای این حق بر مقامات منع تحقیق می‌شود باید با توجه به این دو مفهوم مشخص گردد، که می‌توان گفت شامل همه انواع فشارهای پیش از محاکمه است، از جمله استفاده از تهدید یا تاکتیک‌های غیر منصفانه، مانند اینکه به شخص گفته شود کس دیگری قبلاً اعتراف کرده است؛ مقتضای دیگر این حق آن است که اگر شخص به عنوان شاهد مورد استماع دادستان واقع شده است دادستان نمی‌تواند از هیچ یک از اطلاعات حاصل از پژوهش و پاسخ، علیه او استفاده کند، زیرا در غیر اینصورت ممکن است دادستان بکوشد شخص را در شرایطی قرار دهد که ناخواسته به برخی عناصر جرم گواهی دهد.<sup>۱۰</sup>

بدیهی است سکوت مظنون و یا متهم به مقتضای اصل برائت هرگز نباید هیچ نشانی از مجرم بودن او تقلی شود. باهمه این موارد باید گفت، متهم بایستی توسط مقامات ذیصلاح قانونی از دارا بودن چنین حقی آگاهی یابد تا بتواند به نحو شایسته حقوق خود را به مرحله اجرا دآورد، به خصوص در شرایط فقدان وکیل که در اکثر مواقع متهم ناآشنا با قوانین بوده، ممکن است اغفال یا دچار توهم و تناقض گویی شود تا جایی که دفاعیات بعدی توسط وکیل را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

با این مقدمه به ارزیابی موضوع براساس مقررات داخلی و بین‌المللی می‌پردازیم.

#### الف: ارزیابی موضوع براساس حقوق داخلی

در حقوق انگلیسی در همان ابتدای دستگیری متهم، پلیس موظف است سه مطلب را فوراً به وی تفهیم نماید:

- ۱- باید به او بگوید به اتهام چه جرمی دستگیر شده است؛
- ۲- خاطر نشان سازد که متهم این حق را دارد که به سوالات پلیس پاسخ ندهد (حق سکوت).
- ۳- به متهم اخطار کند هر چیزی بگوید یادداشت می‌شود و ممکن است بعد در دادگاه بر علیه او مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱۱</sup>

به موجب قسمت دوم اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا. «... در صورت بازداشت موضوع اتهام باید ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شده...»

براساس اصل ۳۸ قانون مذکور نیز هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع قلمداد شده و مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

آنچه مبرهن است داشتن حق سکونت صریحاً در ق.ا.ج.ا. پیش بینی نگریده است لکن برداشت ضمنی از این مواد داشتن حق سکونت است و در صورت سکوت، اجبار و شکنجه برای کسب اقرار و یا اطلاع ممنوع می‌باشد.

همچنین قانون گذار طی چند مواد قانون آیین دادرسی کیفری تلویحاً حق سکوت متهم را به رسمیت شناخته است. براساس قسمت ذیل ماده ۱۹۷ ق.ا.د.ک « متهم میتواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضاء اظهارات، در صورت مجلس قید میشود »

در ادامه ماده ۳۶۰ قانون فوق الذکر اشعار میدار: « .. هرگاه متهم بهطور صریح اقرار به ارتکاب جرم کند، بهطوری که هیچگونه شک و شبهه‌ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار، رأی صادر میکند.»

-در مرحله محاکمه این به آن معنا است که متهم می‌تواند از گواهی دادن خودداری کند، اما براساس یک تفسیر وسیع تر حتی ممکن است متضمن<sup>۹</sup>

این باشد که متهم نوعی حق دورغ گفتن دارد، البته به شرطی که به عنوان شاهد سوگند یاد نکرده باشد. فضالی، مصطفی، منبع پیشین، ص ۳۶۹.

- همان منبع: ۱

-انصاری، ولی ...، منبع پیشین، ص ۵۸۴



بدین ترتیب حق متهم در سکوت و عدم پاسخگویی به اتهام انتسابی تحویلاً در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده است. شایان ذکر است ضمانت اجرای اصل ۳۸ ق.ا.ج.ا. ماده ق.م.ا است که بیان می‌دارد: «هریک از مستخدمان و مأموران قضایی یا غیقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کند علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.»

می‌توان گفت هر چند در قوانین داخلی ایران (اعم از قانون اساسی و قوانین ماد) به صورت تلویحی حق سکوت متهم به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم پیش بینی شده است. با اینحال هیچ یک از مقامات انتظامی و قضایی ذیربط الزامی به تفهیم یا حداقل اعلام داشتن حق سکوت به متهم را ندارند از انجام دادن چنین تکلیفی معاف شناخته شده‌اند که این امر مغایر با اصل حقوق بشر است؛ بدیهی است اختیارات وسیع و گسترده ضابطین دادگستری بالاخص در جرایم مشهود در کنار این معافیت منجر به اعمال شیوه‌های غیرقانونی برای اخذ اقرار و اعتراف خواهد شد؛ لذا جهت جلوگیری از نقض و تضییع حقوق دفاعی متهم و مطابقت قانون (قوانین داخلی) با اصول حقوق بشر پیش بینی چنین حقی ضرورت دارد و این امر است که ضامن لغو محکومیت متهم و ابطال تحقیقات حاصل از روی آزار و شکنجه در مرحله کشف است.

### ب: ارزیابی موضوع براساس مقررات بین المللی

حق سکوت در معاهدات بین المللی حقوق بشر صراحتاً بیان نشده است لیکن کنوانسیون اروپایی بطور ضمنی به این حق اشاره داشته است. دادگاه اروپایی در این رابطه نظر داده است هر چند بطور خاص در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی تصریح نشده، اما شکی نیست، حق سکوت در طول بازجویی پلیس و مصونیت در برابر خود متهم سازی بطور کلی در استانداردهای بین المللی به رسمیت شناخته است ه در بطن مفهوم دادرسی عادلانه مندرج در ماده ۶ قرار دارد.

در پرونده‌ای دادگاه اروپایی ظرداده است زمانی که مردی به دلیل امتناع از ارائه مدارک به مأموران گمرک مورد تعقیب قرار گرفت، این تعقیب تلاش برای اجبار متهم به ارائه مدارک مربوط به جرمی که متهم به ارتکاب آن بوده را ایجاد کرده و این نقض حق فرد متهم به جرم کیفری است... در اینکه حق سکوت دارد و در خود متهم سازی مشارکت نمی‌کند.

حق سکوت در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری به صراحت آمده است. بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری مقرر می‌دارد: «... این حق (حق سکوت) باید به هر شخص تحت تعقیب داده شود، پیرو این مقرر شخص نباید وادار به متهم کردن خود یا اقرار به جرم شود». در بند ۲ ماده ۵۵ نیز اینگونه آمده است که حق سکوت شخص در تعیین مجرم یا بی گناه بودنش ملاحظه نمی‌شود، اگر چه این مطلب بیشتر در مورد متهم در محاکمه گفته میشود، لیکن ملاک آن در مرحله تحقیق نیز صادق است، به ویژه از نگاه شعبه مقدماتی دیوان این نکته باید ملحوظ باشد که سکوت مظنون را نشانه گناهکاری یا بی گناهی او ندارد تا برای رأی به آن بر سکوت متهم استناد شود، بلکه عدم کفایت ادله حاکی از مجرم بودن مقتضی رأی به براءت اوست که موافق اصل است.

### گفتار دوم: دسترسی به پرونده

شاید بتوان گفت این حق از مهمترین حقوق طریفن دعوی بوده و علیرغم اهمیت آن، معمولاً محدودیت در این حق، بیشتر متوجه متهم بوده است.<sup>۱۲</sup>

- بنابراین تعبیر برخی نویسندگان که معتقدن قضات می‌توانند تشخیص بی گناهی را بر سکوت متهم استوار کنند چندان دقیق به نظر نمی‌رسد.<sup>۱۲</sup> فضائلی، مصطفی، منبع پیشین، ص ۳۷۰.

در سیستم دادرسی کیفری ایران بی‌متهم و شاکی خصوصی از جهت دسترسی به دلایل در مرحله تحقیقات مقدماتی، تبعیض وجود دارد به طوری که در این مرحله، طبق مواد ۹۱ و ۱۰۰ ق.ا.د.ک شاکی حق دارد... از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافعی با مرحله تحقیقات مقدماتی این حق را نداشته و طبق ماده ۳۵۱ قانون مزبور در مواردی که تحقیقات تکمیل و برای انجام محاکمه وقت تعیین شده باشد متهم یا وکیل او حق دارند، پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل کنند.

برطبق نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر در دعوی گئی جسپرز علیه بلژیک تسهیلات مذکور در ردیف ب بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، در مورد متهم شامل ایجاد فرصت جهت اطلاع یابی از نتایج تحقیقات معموله در سرتاسر فرایند دادرسی است تا بتواند خود را برای دفاع آماده کند.

این حق به عنوان یک عنصر اصل برابری سلاح‌ها است. کمیسیون اروپایی حقوق بشر این نکته را صریحاً در دعوی جسپرز علیه بلژیک اعلام کرده است. متهم باید همانند مقام تعقیب، از پرونده اطلاع داشته باشد.

اهمیت دسترسی به مفاد پرونده تاحدی است که نه فقط خود متهم این حق را دارد بلکه دادستان که طرف مقابل متهم است، تکلیف دارد در اجرای اصل تساوی سلاح‌ها، هرگونه اطلاعاتی را که در تصرف داشته و ممکن است در اجرای عدالت در دادرسی مؤثر باشد برای متهم افشا کند مگر اینکه در قانون به نحو دیگری مقرر شده (بند ۲۹ قطعنامه شورای اروپا در مورد نقش دادسرا در سیستم عدالت کیفری مصوب ۶ اکتبر ۲۰۰۰)

حق دسترسی به پرونده لازمه حق دفاع متهم است یعنی برای اینکه متهم بتواند از خود به نحو مطلوب دفاع کند، این امر مستلزم دسترسی به پرونده است. البته این دسترسی باید به موقع باشد تا فرصت تمهید دفاع وجود داشته باشد. شق (a) بند ۳، قسمت N اصول و رهنمودهای کمیسیون آفریقایی در این مورد اشعار می‌دارد: «متهم حق ارتباط با مشاور حقوقی<sup>۱۳</sup> و زمان و تسهیلات کافی برای آمادگی دفاع دارد.

شق (d) همین بند نیز بطور ضمنی از حق متهم در دسترسی به پرونده سخن می‌گوید: «متهم حق تسهیلاتی دارد که او را در آمادگی دفاع کمک می‌کند یا می‌تواند کمک کند، از جمله حق برقراری ارتباط با وکیل مدافع<sup>۱۴</sup> و حق اسناد<sup>۱۵</sup> ضروری برای آمادگی دفاع.

قسمت ۳ شق (e) بند ۳، اصول و رهنمودهای فوق در همین رابطه اشعار می‌دارد: «متهم یا وکیل مدافع متهم حق دسترسی به همه اطلاعات متهم<sup>۱۶</sup> ارائه شده از سوی دادستان که می‌تواند به برائت<sup>۱۷</sup> متهم کمک کند، دارد. در بند چهارم همین شق آمده است: «وظیفه مقامات صالح است که تضمین کنند «وکلا» در زمان مناسب برای امکان فراهم سازی معاضدت حقوقی در حق «موکل شان» به اطلاعات کافی، پرونده و اسناد در تصرف یا کنترل مقامات دسترسی دارند. چنین دسترسی باید در اولین زمان ممکن فراهم شود. با توجه به اینکه این بند، از وکلا و موکل او نیز قابل تسری است. در بند ششم همین شق آمده است: قبل از صدور حکم یا تعیین مجازات، متهم ویا وکیل او حق اطلاع و اعتراض به همه دلایلی را دارد که ممکن است مستند حکم قرار گیرد.

<sup>۱۳</sup> the right or communicate with counsel.

<sup>۱۴</sup> defence counsel.

<sup>۱۵</sup> rights to all relevant information

<sup>۱۶</sup>rights to all relevant information.

<sup>۱۷</sup>exonerate.

همه دلایل تقدیمی باید توسط نهاد قضایی، مورد بررسی قرار بگیرد. بند هفتم همین شق در خصوص دسترسی متهم به دلایل، بعد از محاکمه بدوی و قبل از تجدید نظر، می‌گویند: متعاقب محاکمه بدوی و قبل از هرگونه دادرسی پژوهشی، متهم یا وکیل مدافع او حق دسترسی یا مشورت درمورد دلیلی را دارد که نهاد قضایی در اتخاذ تصمیم مورد توجه قرار داده و مستند آن قرار گرفته است.

### گفتار سوم: حق داشتن وکیل

حق داشتن وکیل مدافع از مهمترین آثا اصل برائت، در جهت حمایت و رعایت حق دفاع متهم و جزء تأمنات و تسهیلاتی است که بای جلوگیری از تضییع و لطمه به حق و حقوق دفاعی متهم در مقررات ملی<sup>۱۸</sup> و شماری از اسناد فراملی چه به صورت الزام آور و چه به صورت ارشادی به رسمیت شناخته شده است؛<sup>۱۹</sup> لذا با استفاده از دانش و تخصص وکیل مدافع در برابر شاکی خصوصی، دادستان و دیگر افراد قضایی که امکانات و اطلاعات کافی در جهت دفاع از جامعه در اختیار دارند، بتواند با ارائه یک دفاع مناسب از اتهام برهد و از تخفیف و معافیت‌های قضایی و قانونی استفاده نماید.

### الف: ارزیابی موضوع براساس حقوق داخلی

در سیستم دادرسی فعلی ایران این حق در خصوص متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی محدود شده است؛ به ماده جدید ۴۸-۱۹۰-۳۴۸-۳۴۷-۱۹۵-۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در امور کیفری و تبصره آن د اختیار وکیل متهم را در دفاع از موکل خود محدود، و ضمن محدودیت از جهت تعداد وکیل، بعضاً حضور وی در این مرحله، با اجازه دادگاه (دادسرا) دانسته شده است.<sup>۲۰</sup>

در صورتی که چنین محدودیتی برای وکیل شاکی وجود ندارد و این نابرابری در سلاح‌ها به حقوق دفاعی متهم صدمه زده یا حداقل او را در وضع نامساعدتری نسبت ب شاکی خصوصی و به طریق اولی دادستان قرار می‌دهد. این درحالی است که از یک طرف در اصل ۳۵ قانون اساسی به حق طرفین دعوی در داشتن وکیل تصریح و اعلام شده: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند برای همه آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

و از طرف دیگر در ماده ۱۸۵ قانون فوق‌الذکر در مرحله رسیدگی به طرفین دعوی حق داده شده که وکیل انتخاب و معرفی کنند و بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ نیز هرچند بر تحدید اختیارات وکیل مهر تأیید زده ولی نحوه نگارش آن به گونه‌ای است که گویی تحدید اختیارات وکیل برخلاف ماده ۱۹۰ و تبصره آن، صرفاً ناظر به وکیل متهم نبوده بلکه وکیل منتخب هریک از اصحاب دعوا از این محدودیت برخوردار است: «به منظور اجرای اصل ۳۵ ق.ا.ج.ا. و نیز به منظور تدمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی، هریک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام

۱۸- اصل ۳۵ قانون اساسی، بند ۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و...<sup>۱۸</sup>

۱۹- برای نمونه، میثاق بی‌المللی حقوقی مدنی سیاسی (دیف ب بند ۳ ماده ۱۴)، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (دیف ج بند ۳ ماده ۶)، مجموعه اصول<sup>۱۹</sup> برای حمایت همه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان (اصل ۱۷)، اصول اساسی نقش و کلا(اصل ۱).

۲۰- ماده ۱۹۰- متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق<sup>۲۰</sup> توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

قضایی را به استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد وای حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد می شود، دارند. ضمن اینکه برخلاف ماده ۱۹۰ و تبصره آن این محدودیت ها به مرحله تحقیقات اختصاص نداشته و مربوط به تمام مراحل دادرسی است.

ای عملکرد قانون گذار درحالی است که در صورتی که تحقیقات بدرستی انجام نگیرد، می تواند مسیر پرونده را تحت الشعاع قرار دهد. تضمین سلامت و صحت آرای دادگاه ها مستلزم این است که تحقیقات جنایی دقیق تر و بی طرفانه تر و به صورت توافقی انجام شود.<sup>۲۱</sup>

لازم به ذکر است ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ نیز از حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی در دادگاه ها سخن گفته و در تبصره ۲ ماده واحده صرفاً از ضمانت اجرای سلب حق وکیل از متهم سخن یاد کرده و ضمن اینکه حکم صادره را فاقد اعتبار قانونی دانسته، برای قاضی مزبور مجازات انتظامی پیش بینی کرده است.

### ب: ارزیابی موضوع براساس مقررات بین المللی

حق برخورداری متهم از وکیل در اکثر اسناد حقوق بشری (اعم از اسناد الزام آور و ارشادی) به رسمیت شناخته شده تا جایی که عادلانه بودن دادرسی را در گرو آگاهی و برخورداری متهم از این حق ذکر کرده اند، حتی می توان ادعا کرد بهره‌مندی مناسب از سایر امکانات و تسهیلات نیز، در صورت حضور وکیل کاردان از همان ابتدای امر میسر می‌شود؛ در زیر به چند نمونه از اسناد اشاره می‌شود.

اصل ۱ از اصول اساسی نقش وکلا اشعار می‌دارد: همه اشخاص حق برخورداری از معاضدت وکیل منتخب شان را برای حفظ و اثبات حقوق شان و دفاع از آنها در تمام مراحل دادرسی کیفری دارند. این اصل، حق مزبور را محدود به مراحل خاصی از مراحل دادرسی نکرده و صراحتاً از اعمال این حق در تمام مراحل دادرسی کیفری سخن می‌گوید، ضمن اینکه صاحبان این حق را همه افراد اعم از متهم یا شاکی خصوصی دانسته است.

اصل ۵: این اصول درمورد اعلام حق برخورداری از وکیل به همه افراد دستگیر یا توقیف شده یا متهم اعلام می‌دارد: «حکومتها تضمین خواهند کرد که همه اشخاص توسط مقام صالح، از حق شان درمورد معاضدت توسط وکیل به انتخاب خودشان، در زمان دستگیری یا توقیف یا اتهام به جرم کیفری، فوراً مطلع خواهند شد.

اصل ۶: نیز در مورد تعیین وکیل تسخیری برای افراد مذکور در بند ۵ است و می‌گوید: چنین افرادی که وکیل ندارند، در همه مواردی که منافع عدالت این گونه اقتضاء کند، حق به داشتن وکیل مجرب و صالح متناسب با ماهیت جرم انتسابی به آنها، به منظور فراهم کردن معاضدت حقوقی مؤثر دارند، بدون پرداخت وجهی به آنها در صورتی که فاقد درآمد برای چنین خدماتی باشند.

همانگونه که اشاره شد ردیف ب بند ۳ ماه ۱۴ میثاق بی‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ردیف ج بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ردیف، د، ه بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز حق داشتن وکیل را بطور کلی برای متهم به رسمیت شناخته اند اما صراحتاً به این نکته که شخص در مراحل قبل از دادرسی، از حق برخورداری کمک یا وکیل برخوردار

<sup>۲۱</sup>-آقایی جنت مکان، حسین، حق دفاع متهم، تحدید یا توسعه، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، شماره ۲۳ و ۲۴، بهار و

تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۹۵.

است اِشاه نمی کنند. اما کمیته حقوق بشر، کمیسیون بین آمریکایی و دادگاه اروپا همگی به صراحت بیان می دارند که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه مستلزم دسترسی به یک وکیل در طول بازداشت، بازپرسی و تحقیقات مقدماتی است کمیته حقوق بشر مقرر می دارد: که همه اشخاصی که دستگیر می شوند باید دسترسی فوری به وکیل داشته باشند.<sup>۲۲</sup> کمیسیون بین آمریکایی نیز مقرر می دارد که حق دفاع از خود مستلزم آن است که متهم اجازه داه شود در هنگام بازداشت از حمایت قانونی برخوردار گردد. در نتیجه قانونی که دسترسی به وکیل را در طی بازداشت و تحقیقات از متهم منع می کند می تواند به طور جدی تجاوز کننده و ناقض دفاعی باشد. به طور مشابه، دادگاه اروپا اعلام کرده است که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه به طور معمول مستلزم آن است که به متهم اجازه داده شود در طول مراحل اولیه تحقیقات پلیس از وکیل استفاده کند.<sup>۲۳</sup>

### گفتار چهارم: حق برخورداری از مترجم<sup>۲۴</sup>

حق برخورداری از مترجم، در حقوق داخلی و اسناد بی المللی به عنوان یکی دیگر از حقوق دفاعی متهم یاد شده و لازمه دادرسی عادلانه شناخته شده است؛ البته این حق برخلاف سایر حقوق دفاعی همیشه مطرح نبوده و فقط در مواردی مطرح می شود که او از برقراری ارتباط مفید با مرجع قضایی یا اطلاع از مفاد اسناد و مدارک عاجز باشد، مثلاً با زبان مورد استفاده در دادگاه یا اسناد آشنایی نداشته یا اینکه اصلاً توان سخن گفتن یا سخن شنیدن را نداشته باشد (کرو لال) باشد.<sup>۲۵</sup> در حقوق ایران با توجه به اینکه طبق اصل ۱۵ قانون اساسی، زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است و اسناد و مکاتبه ها بای به زبان و خط فارسی باشد و طبق ۵۱ و ۵۸ ق.ا.ع.ا. در امور مدنی اوراق قضایی باید به زبان فارسی بوده و اسناد مورد استفاده در دادگاه باید، ترجمه گواهی شده داشته باشد، لذا در مواردی که یکی از طرفین دعوی زبان فارسی مورد استفاده در دادگاه را متوجه نشود یا نتواند به زبان فارسی صحبت کند و یا سند یا نوشته اسنادی به غیر از خط فارسی باشد، دخالت مترجم در پرونده، ضروری است.<sup>۲۶</sup>

در ماده ۱ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی مصوب ۱۳۶۱/۳/۲۰ نیز آمده است: هرگاه یکی از طرفین دعوی یا شهود و اهل خبره و محاکم و ادارات و طرفین معامله یا شهود در دفاتر اسناد رسمی زبان فارسی ندانند. اظهارات آنها توسط مترجم رسمی ترجمه خواهد شد.

لکن نکته این که قابل توجه است ماده ۲۰۰ تجدید ق.ا.د.ک استفاده از مترجم و جهات رد یا قبول او را فقط در مرحله دادرسی پذیرفته است، قانون مذکور کمک مترجم را در مرحله تحقیقات پلیسی و تحقیقات مقدماتی مسکوت گذاشته است! این در حالی است که اکث اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر ردیف الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و

- شریفی، مهدی، مقاله متهم در اسناد بین المللی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، ش ۱۹۸-۱۹۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ ص ۱۳۸<sup>۲۲</sup>

- همان منبع<sup>۲۳</sup>

<sup>۲۴</sup>interpreter

- ناجی زواره، مرتضی، منبع پیشین، ص ۳۳۶-۳۳۷<sup>۲۵</sup>

- همان منبع<sup>۲۶</sup>

- ماده ۲۰۰- بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.

سیاسی لازم دانسته اند. متهم در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که بفهمد از نوع و علل اتهام که به او نسبت داده شده است مطلع شود. لذا لازم است جهت حفظ حقوق دفاعی متهم در تغییرات بعدی قانون آیین دادرسی کیفری به این نکته نیز توجه شود.

### مبحث چهارم: عدول از تفهیم اتهام و ضمانت اجرای تأخیری در آن

با توجه به اهمیت موضوع تفهیم اتهام و ارتباط تنگاتنگ آن با حق دفاع متهم، که مورد توجه قانونگذار ایران و تاکید موکد اکثر اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر قرار گرفته است، ضروری است در انتهای مباحث، عدول، ضمانت اجرای تأخیر و عدم تفهیم اتهام نیز طی سه گفتار بیان شود.

#### گفتار اول: عدول از تفهیم اتهام

هرچند مقام قضایی با تفهیم اتهام مسیر تحقیق و هدف از آن را تا حد زیادی روشن می کند و به تبع آن متهم خط مشی دفاعی خود را ترسیم می نماید، ولی حفظ این انسجام نباید به قیمت فدا شدن عدالت و حقیقت شود. اتهام تفهیم شده، ممکن است متعاقب استمرار تحقیق یا رسیدگی و تحصیل دلایل جدید، تغییر وصف جزایی داده و یا حتی بکلی رنگ ببازد. رنگ باختگی اتهام تفهیم شده نیازمند عدول از اتهام نبوده و درحقیقت به تبع صدور قرار منع تعقیب یا برائت، حسب مورد متهم از هرگونه اتهامی (چه تفهیم شده و چه تفهیم نشده) بری می گردد و دراین صورت بین این دو اتهام فرقی نیست. اما تغییر وصف جزایی با توجه به لزوم سیر پرونده در مسیر عدالت به نفع یا ضرر متهم، درطول فرایند دادرسی، از سوی مقام تحقیق یا رسیدگی حسب مورد قابل پذیرش و چه بسا الزامی است. البته معمولاً در این قبیل موارد چون اتهام جدید کاملاً با اتهام تفهیم شده سابق، متفاوت نیست و چه بسا عناصر مشترکی نیز داشته باشند، خط سیر پرونده از جهات تحقیق و دفاع، تغییر اساسی نمی کند.

فوریت و سرعت تفهیم اتهام، عدول بعدی از آن را توجیه می کند. تفهیم اتهام در بدو تحقیق که هنوز دلایل بطور کامل جمع آوری نشده، ازسوی مقام قضایی انجام می شود و چه بسا با ادامه تحقیق و تحصیل دلایل دیگر، وصف اتهامی با توجه به لزوم انطباق آن با محتویات و دلایل پرونده، تغییر یابد. البته شم و توان قاضی در تشخیص اتهام صحیح و نتیجتاً ثبوت اتهام در طول فرایند دادرسی، نقش غیرقابل انکاری دارد و چه بسا بههمین علت قضاات از عدول از اتهام و انطباق وصف کیفری اتهام با محتویات پرونده، استقبال نمی کنند تا به زعم آنها قابلیت عملی و قضایی آنها زیر سوال نرود. تأخیر در تفهیم اتهام، به انگیزه تشخیص صحیح آن و اجتناب از عدول بعدی، با اصل سرعت در تفهیم اتهام منافات داشته و به ویژه اینکه در حقوق ایران طبق مواد ۲۱۷ و ۲۲۴ ق.ا.د.ک موجب تأخیر در صدور قرار تامین و تحقیق اهداف آن می گردد. البته درحقوق ما همزاد بودن تفهیم اتهام و قرار تامین، موجب شده یا می شود که در مواردی که اوضاع و احوال پرونده بطور معقول حکایت از وقوع جرم و انتساب آن به متهم، و لزوم تضمین دسترسی و حضور به موقع متهم از طریق صدور قرار تامین دارد، مقام قضایی علی الحساب با متزلزل به متهم تفهیم اتهام نموده تا بتواند قرار مزبور را صادر نماید. این تزلزل را در قالب الفاظی مثل فعلاً متهم به ... هستید، می توان مشاهده کرد.<sup>۲۸</sup>

<sup>۲۸</sup> - نمی توان از ماده ۱۳۶ ق.ا.د.ک این تلقی را داشت که فقط پس از تفهیم اتهام، تکلیف صدور تامین وجود دارد. و صدور قرار تامین الزاماً مسبوق به تفهیم اتهام نیست چون این امر با اصل سرعت در تفهیم اتهام مغایر بوده و درحقیقت با صدور قرار تامین، حقوق و چه بسا آزادی متهم تحدید یا سلب شده، درحالی که به موجب تفهیم اتهام، علیه آن به متهم تفهیم نشده است. از مواردی که بطور معقول بیم وقوع جرم رفته و تضمین حضور به موقع متهم به موجب صدور قرار تامین لازم است، بطور مثال می توان گفت که شخص الف نیاز به تبدیل چک پول خود به پول خرد دارد. شخص ب که

عدول از اتهام تفهیم شده ممکن است توسط مقام قضایی تفهیم کننده اتهام ویا قاضی دیگری که بعداً پرونده به وی ارجاع شده مثل قضات دادگاه‌های بدو یا تجدید نظر انجام شود. البته قضات مزبور با این محدودیت مواجه هستند که حسب مورد نمی‌توانند خارج از چارچوب کیفرخواست و رای بدوی اظهار نظر کنند و رسیدگی آنها حول واقعه مجرمانه ای است که حسب مورد کیفرخواست یا رای بدوی درمورد آنها اظهار شده است لذا آنها حق تفهیم اتهام در مورد وقایع مجرمانه ای که حسب مورد در کیفرخواست تصریح نشده یا دادگاه بدوی اثباتاً یا نغیاً نسبت به آن اظهار نظر نکرده، نداشته و فقط می‌تواند به تشخیص خود وصف مجرمانه اتهامات مندرج در کیفرخواست یا رای بدوی را تغییر داده و وصف اتهامی، جدید را به متهم تفهیم کنند. نکته قابل توجه در تغییر وصف اتهام در مرحله بدوی یا تجدید نظر، تحدید حقوق دفاعی متهم است که او را از فرصت مناسب یا کافی برای دفاع محروم میسازد.<sup>۲۹</sup>

### گفتار دوم: تأخیر در تفهیم اتهام

ضرورت و اهمیت تفهیم اتهام و دلایل آن به حدی است که در بعضی از کشورها این مسئله در قوانین اساسی آنها ذکر گردیده تا این حق حتی از طریق تصویب قوانین عادی نیز قابل خدشه نباشد مثلاً در اصلاحیه‌ی قانون اساسی ایالات متحده آمریکا آمده است: متهم حق دارد از ماهیت اتهام انتسابی آگاه شود و اظهارات او پس از ابلاغ از نوع و کیفیت اتهام منتسبه و انتخاب طریقه دفاعی عیناً و بدون تغییر و تحریف ثبت گردد.<sup>۳۰</sup>

در حقوق ایران نیز اصل ۳۲ قانون اساسی به فوری بودن تفهیم اتهام تأکی کرده است: مطابق اصل اخیر، موضوع اتهام بای با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود. و ذیل همین اصل آمده است: «... مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود...»

علی‌رغم صراحت اصل فوق، هیچ قانون عادی که به روشنی تأخیر در تفهیم اتهام را قابل مجازات بداند تا کنون به تصویب نرسیده است و رویه قضایی نیز در این خصوص دست‌آوردی ندارد. یکی از اقسام و شیوه‌های تأخیر در تفهیم اتهام این است که مقام قضایی، متهمی را که علیه وی دلایل و قراینی مبنی بر توجه اتهام به وی وجود ندارد به عنوان شاهد یا مطلع احزار کرده و از وی بازجویی نموده پس از بازجویی ویا در جریان آن، به تفهیم می‌نماید؛ در این راستا، صدور دستوراتی شبیه: «دفتر آقای... که متهم به سرقت است فعلاً به عنوان مطلع احزار شود!!» متأسفانه مشاهده می‌شود. بدیهی است دستوراتی از قبیل مخالفت صریح اصل ۳۲ ق. ا است.

متوجه نیاز وی می‌شود با نشان دادن دسته اسکناس درشت و نو، او را ترغیب به مراجعه به خود می‌کند. پس از مراجعه و دادن چک پول، شخص ب پا به قرار می‌گذارد. در این مثال جرم بودن نفس عمل شخص به بدیهی است، ولی چه بسا وصف کیفری رفتار او حداقل در بدو پرونده بی‌عناوین مختلف، مثل سرقت، کلاهبرداری یا خیانت در امانت، محل تامل بوده و حتی در مراحل بعدی در اثر اختلاف قضایی تغییر کند.

- لازم به ذکر است بعضاً دیده می‌شود قاضی تحقیق پس از عدول از اتهام تفهیم شده در پایان تحقیق، ضمن اظهار نظر درمورد اتهام موخر التفهیم،<sup>۲۹</sup> درمورد اتهام مقدم التفهیم و عدول شده نیز اظهار نظر نموده و قرار منع تعقیب صادر می‌نماید، که به نظر ضرورت ندارد چون با عدول از اتهام، صرفاً وصف با عنوان مجرمانه اتهام تغییر می‌یابد. اتهام موخر التفهیم ناظر به رفتار مجرمانه جدیدی نیست و با عدول از اتهام صرفاً وصف جدید اتهامی جایگزین وصف کیفری سابق می‌شود و علی‌الاصول یک رفتار مجرمانه واحد یک وصف مجرمانه استفتحتی درموردی که رفتار مزبور مشمول مقررات تعدد معنوی است، چون با فرض محکومیت، مجازات اشد اعمال می‌گردد باید عنوان مجرمانه ای را که مشمول مجازات اشد قرار می‌گیرد به متهم تفهیم کرد.

- انصاری، ولی ا...، حقوق تحقیقات جنایی، منبع پیشین، ص ۴۸۶.

باید گفت هدف از تعیی این حقوق برای متهمین صرفاً بیان آن نبوده و این حقوق باید به نوعی مورد تضمین قرار گیرند لذا آوردن آنها بدون ضمانت اجرا در قوانین امر عبث می باشد.

### گفتار سوم: عدم تفهیم اتهام

با توجه به اهمیت تفهیم اتهام در مرحله بازجویی، این امر در قوانین مختلف صریحاً پیش بینی و حتی در بعضی کشورها تخلف از آن علاوه بر تخلف انتظامی بازجو، موجب بطلان تحقیقات می شود، از آن جمله، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه است که تفهیم اتهام را پیش بینی و در صورت عدم رعایت آن تحقیقات انجام شده را باطل اعلام نموده است.<sup>۳۱</sup>

اگرچه اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر لزوم تفهیم اتهام و ادله آن تصریح کرده است و در ادامه بیان داشته است: «تخلف از این اصل تطبق قانون مجازات می شود.» لیکن تا کنون قانون خاصی به طور دقیق ضمانتی برای تخلف عدم تفهیم اتهام نشناخته است، (از مواد ۱۸۳ و ۱۸۹ ق.ا.د.ک صرفاً تخییر در تفهیم اتهام قابل استنباط است) این درحالی است که اهمیت تفهیم اتهام و نتایج حاصل از آن جهت تدارک دفاعی مناسب از سوی متهم برهمگان برهن است و از این جهت قانون گذار خواسته یا ناخواسته زمینه تضییع حقوق متهم را فراهم نموده است.

در رابطه با عدم تفهیم اتهام صرفاً نظام نامه ها و آیین نامه ها برای رسیدگی به این قسم تخلفات قضاوت وجود دارد که از سوی دادگاه انتظامی قضاوت به آن استناد می شود. در زیر نمونه های از آرای صادره و قطعیت یافته در دادگاه عالی انتظامی قضاوت که به جهت تخلف قاضی در عدم تفهیم اتهام صادر شده است آورده می شود.

رای شماره ۱۱۶-۱۳۸۰/۳/۲۶ شعبه ۳ انتظامی قضاوت

تخلف رئیس دادگاه عمومی از مفاد ماده ۱۲۹ ق.ت.د.ع.ا در امور کیفری درخصوص عدم تفهیم صریح موضوع و دلایل اتهامات به متهم محرز استف دفاع او مبنی بر اینکه متهم و وکیلش آشنا به مواد اتهام و دلایل آن بوده اند موثر در مقام نیست لذا نام برده به استناد صدر ماده ۲۰ نظام نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضاوت به کسر عشر حقوق ماهانه به مدت ۵ ماه محکوم می نماید.

رای شماره ی ۱۰۹-۷۹/۳/۲۵ شعبه ۳ انتظامی قضاوت

اقدام رئیس دادگاه عمومی از جهت عدم تفهیم اتهام موضوع و دلایل اتهام به متهم قبل از صدور قرار وثیقه درباره او از مقررات ماده ۱۲۵ ق.ا.د.ک حاکم در قضیه تخلف نموده است و درخصوص قبول وثیقه قرار قبولی صادر نکرده، بنابراین با انطباق عملش با صدور ماده ۲۰ نظام راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضاوت به کسر خمس حقوق ماهانه به مدت دو ماه محکوم می نماید رای صادره قطعی است.

حکم شماره ۵۳-۵۱-۷۶/۳/۱۸ شعبه اول انتظامی قضاوت

درمورد رئیس اول دادگاه عمومی اعلام شده که وی به بعضی از متهمان اعلام اتهام نکرده و جلسه دادگاه را هم خارج از وقت مقرر بدون رعایت تشریفات قانون تشکیل داده و به طور کلی از متهمین آخرین دفاع را اخذ ننموده و نسبت به جمیع اتهامات عنوان شده اظهار نکرده و اتهام یکی از متهمان را منطبق با ماده ۱۱۳ قانون تعزیرات داشته که اصولاً بزه عنوان شده با ماده مزبور انطباق نداشته است. با اینحال متهم را به استناد همین ماده به چهار ماه حبس محکوم نموده، به لحاظ تخلفی از قانون و

- استقانی، گاستون، ژرژ لوسوز، برناملوک، آیین دادرسی کیفری، ترجمه دادبان، حسن، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، جلد دوم، ۱۳۷۷، ص ۸۲.



نیز اخذ تامین از متهم بدون اعلام اتهام به او، و عدم اظهار نظر نسبت به جمیع اتهامات عنوان شده و عدم استماع آخرین دفاع متهمین و عدم رعایت مقررات مربوطه به تشکیل دادگاه تخلفش مسلم است.<sup>۳۲</sup>

### گفتار چهارم: تفهیم اتهام به وسیله ضابطان دادگستری.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، تفهیم موضوع اتهام، ادله آن و تذکر به این که مواظب اظهارات خود باشد را به گونه‌ای انشاء کرده است که برجستگی آن آشکار نیست. تفهیم اتهام از الفبای دادرسی‌های جزایی است و نشان‌دهنده آغاز واقعی این نوع رسیدگی‌ها است.

تفهیم اتهام واقعی از سوی مقام قضایی صورت می‌گیرد و از اقدامات خاص قضایی به شمار می‌آید. در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران ضابطان دادگستری بدون اجازه، نمایندگی یا بدون موافقت مقامات قضایی از چنین صلاحیتی برخوردار نیستند. نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به این نکات مهم و ارزشمند توجه نکرده‌اند و تفهیم اتهام را از وظایف ضابطان دادگستری دانسته‌اند که خطا بودن آن آشکار است.

به ماده ۴۶ قانون یاد شده، توجه کنید که مقرر می‌دارد:

ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهور، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

حتی ماده ۱۹۴ نیز که در ماهیت می‌بایست مقررات ماده ۱۲۵ قانون اصول محاکمات جزایی و ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری را تکرار می‌کرد این کار را انجام نداده و به صورت بسیار مبهم تنها به ذکر درج اقامتگاه متهم و تغییر احتمالی آن اکتفا کرده است که اساساً این‌ها نمی‌تواند از اصول تفهیم اتهام به شمار آید.<sup>۳۳</sup>

### نتیجه گیری و پیشنهادها

منظور از تفهیم اتهام این است که متهم از موضوع جرم و یا جرایم انتسابی به خود و کلیه دلایل و مستندات آن آگاه شود، تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند. نمی‌توان از انسانی انتظار داشت در برابر جرم ناشناخته و دلایل غیر معلوم پاسخگو باشد و بی‌مقدمه از خود دفاع نماید.

تفهیم اتهام مقدمه واجب برای بازجویی از متهم است. پیش از آن که تفهیم اتهام صورت گیرد، هیچ پرسشی از متهم، در ارتباط با جرم انتسابی، توجیه قانونی ندارد.

توجه دیرینه حقوق اسلام که منبع الهام بخش حقوق کشورهای اسلامی از جمله کشور ایران است، به مولفه‌های حقوق بشری، واقعی غیرقابل انکار و موجب افتخار ما مسلمانان است ولی این افتخار نباید ما را غرّه ساخته تا جایی که خود را بی‌نیاز از تأسی عملی از اصول حقوق بشری اسلامی بدانیم، چراکه توجه فزاینده و البته مؤخر اسناد حقوق بشری بین‌المللی، موجب

- به نقل از کریم زاده، احمد، آراء عالی انتظامات، انتشارات نشر میزان، تهران ۱۳۸۱، ص ۱۵۴.

. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، دفتر ششم، انتشارات دوراندیشان، ۱۳۹۴ ص ۲۶۱

عقب افتادگی حقوق ایران در این راستا و خدای ناکرده بدنام کردن دین مبین اسلام در انظار بین المللی می گردد. خارج از تعصب نسبت به قوانین موجود دادرسی حاضر ایران، بادی به عقب افتادگی قانون دادرسی فعلی ایران نسبت به اسناد حقوق بشری اعتراف کرد هر چند در سالهای اخیر با تصویب قوانینی مثل قانون حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳) و لو تحت تاثیر افکار عمومی جهانی یا داخلی، سعی شده این عقب افتادگی تا حدی جبران گردد.

یکی از مولفه های اسناد حقوق بشری که به واقع زیربنای حق دفاع متهم می باشد، تفهیم اتهام است که برخلاف ای اسناد، در قوانین حاکم بر دادرسی کیفری ایران، به خوبی شناسای نشده هر چند، ذکر این تامین در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران حکایت از توجه مقنن قانون اساسی بدان دارد. صرف پیش بینی مزبور، بدون ورود برجسته و شفاف و الزام آور آن در قوانین دادرسی که مبنای عملی رسیدگی قضایی است موجب عینیت این تاسیس نمی گردد. لذا لازم است قانون گذار با بذل توجه به اهمیت این تاسیس به ویژه به لحاظ اختصاص یک اصل از مجموع اصول قانون اساسی، مسئولین قضایی رادرقالب وضع قانون الزام آور، متوجه این مهم نماید و با پیش بینی ضمانت اجرا برای عدم رعایت این حق دفاعی متهم و حتی تاخیر در آن، قضات محترم را بیش از پیش متوجه اهمیت این تاسیس نماید. هر چند مقررات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی برای قضات محترم لازم ارعایه است ولی به تجربه ثابت شده، قضات با میثاق و مقررات آن مأنوس نیستند و از اسنا یا اجرای مقررات میثاق مزبور در فرایند عملی دادرسی اکراه یا ابا دارند.

هر چند تفهیم اتهام متضمن اثبات مجرمیت نیست، ولی به ثابله تابلو یا چراغ خطری است که باید در ابتدای جاده مجرمیت، برای اخطار به متهم و هشدار او نصب شود. عدم تفهیم اتهام یعنی گسیل متهم بی خبر، به جاده ای که فاقد علامت خطر یا هشدار است. متهم در مسیر دفاع از خود نباید گمراه یا غافلگیر شود. بلکه باید به موجب تفهیم اتهام زوایایی اتهام را برای وی روشن ساخت، سپس وی را مورد پرسش قرار داد، کتمان عنوان اتهام و دلایل آن از سوی مقام قضایی همان قدر غیر منصفانه است که کتمان حقیقت از سوی متهم. همانطور که از متهم انتظار می رود با بیان حقایق به اجرای عدالت کمک کند، از مقام قضایی هم انتظار می رود که با متهم صادقانه برخورد کرده و مجهولات مورد درخواست متهم و حتی مطالبی که به ضرر متهم بوده و متهم از وجود آن بی خبر است بر وی آشکار سازد. متهم نباید با جهل نسبت به اتهامش و دلایل آن، محکوم شود. تفهیم اتهام از دو بعد یعنی بعد تحقیق دفاع، واجد اثر است. ولی این آثار نسبی بوده و ثابت یا همیشگی نیست. در بعد تحقیق، چارچوب، قلمرو و خط سیر تحقیق و برآیند مقام تحقیق، به موجب تفهیم اتهام، روشن و متجلی میگردد. اماممکن است با عدول از اتهام تفهیم شده و نتیجتاً تغییر وصف کیفری اتهام، سازمان تحقیق تا حد زیادی تغییر کند، بدون اینکه از لحاظ قانونی ایرادی بدان وارد باشد. در بعد دفاع، هر چند متهم دفاع براساس اتهام تفهیم شده یکسا نبوده و نتیجتاً اتهام در مورد همه متهمین به یک میزان اثربخش نیست. میزان اثربخشی تفهیم اتهام در سازمان دفاعی متهمف به سطح معلومات حقوقی وی یا برخورداری او از معاضدت وکیل دادگستری برمی گردد. متهمی که شخصاً و به هر دلیل از ماهیت اتهام انتسابی به خود آشنایی دارد، یا از معاضدت مزبور برخوردار است، اتهام تفهیم شده با همه عناصر متشکله آن، راهنمای او در تعیین چارچوب دفاع و تنظیم لوایح قضایی و نحوه دفاع قرار می گیرد. اما متهمی که با ماهیت یا وصف اتهام آشنا نیست و معاضدت حقوقی نیز نمی - شود، طبعاً نمی تواند از تکلیفی که مقام قضایی در برابر او در مورد تفهیم اتهام و دلایل آن دارد، بهره وافی ببرد.

## پیشنهادها

- ۱- برجسته سازی تأسیس تفهیم اتهام در قالب مواد قانونی به گونه ای که اهمیت این تأسیس و لزوم انجام آن را به مقامات قضایی گوشزد نماید.
- ۲- ذکر ویژگی های تفهیم اتهام و تعیین ضمانت اجرای تأخیر در آن یا عدم انجام آن در قانون
- ۳- الهام از اسناد بین المللی در تعیین رژیم حاکم بر این تأسیس.
- ۴- رفع قیود «جرایم مشهود و بازداشت» مذکور در اصل ۳۲ قانون اساسی به عنوان یکی از شرایط لزوم سرعت در تفهیم اتهام به طوری که تفهیم اتهام به متهم مستلزم بازداشت قبلی او نبوده و حتی در صورت آزادی وی تفهیم اتهام با سرعت به وی صورت گیرد.
- ۵- نظربه اینکه مقررات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی باتوجه به الحاق ایران به آن برابر ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون و لازم الجرا می باشد، با اینحال بهتر است مقررات و شرایط مذکور در میثاق راجع به تفهیم اتهام، در قوانین داخلی ایران نیز صراحتاً پیش بینی گردد.
- ۶- با توجه به اینکه تفهیم اتهام موجد حقوق دیگری از جمله حق سکوت یا حق برخورداری از وکیل برای متهم می - گردد به لحاظ احتمال عدم آگاهی متهم از این حقوق، علاوه بر تفهیم اتهام حقوقی که در اثر آن برای متهم ایجاد می شود به وی تفهیم یا اعلام گردد.

## فهرست منابع

### الف) کتب

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (جلد پنجم کاربردی)، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۳- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ششم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سیزدهم تهران، ۱۳۸۶.
- ۴- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، دفتر ششم، انتشارات دوراندیشان، ۱۳۹۴
- ۵- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، نشر سمت، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۸۵.
- ۶- آشوری، محمد، حقوق بشرومفاهیم و مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش، چاپ اول، فروردین ۱۳۸۳.
- ۷- آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، انتشارات گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۶.
- ۸- آقایبی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۹- انسل، مارک، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه آشوری، محمد، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۱۰- استفانی، گاستون، ژرژلوا بسور، برنابولوک، آیین دادرسی کیفری، ترجمه دادبان، حسن، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، جلد دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۱- امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، جلد اول، قسمت اول اسناد جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۸۱.

- ۱۲- امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، جلد دوم، قسمت اول، اسناد منطقه‌ای، نشر جنگل، جاودانه، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- ۱۳- انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۱۴- بکاریا، سزار، جرایم و مجازاتها، ترجمه اردبیلی، محمدعلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶.
- ۱۵- تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸.
- ۱۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴.
- ۱۷- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، نشر شهر دانش، چاپ سوم، چاپ سوم ۱۳۸۸.
- ۱۸- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲.
- ۱۹- خزایی، منوچهری، فرایند کیفری (مجموعه مقالات) کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، اسفند ۱۳۷۷.
- ۲۰- دلوکویو، ژرژ، فلسفه حقوق، ترجمه واحدی، جواد، نشر میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
- ۲۱- رضانی، محمود، فرهنگ حقوقی مدنی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۲- سرمست بناب، باقر اصل برائت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۳- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد سوم.
- ۲۴- شاملو احمدی، محمدحسین، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، نشر دادبار، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۲۵- طه، فریده، اشرافی، لیلا، دادرسی عادلانه، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶.
- ۲۶- علم، محمود، داگستری استاندارد در اسناد بین المللی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.
- ۲۷- عمید، حسن، فرهنگ عمدی، موسسه انتشارات امیر کبیر، جلد دوم، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۲۸- فاضلیف مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷.
- ۲۹- کاتوزیان، ناصر، گامی به سوی عدالت، جلد اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸.
- ۳۰- کریم زاده، احمد، آراء دادگاه عالی انتظامات، انتشارات نشر میزان، تهران ۱۳۸۱.
- ۳۱- گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، جلد اول، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- ۳۲- محمودی جانکی، فیروز، حق دفاع متهم، در علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران) جلد اول، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۳.
- ۳۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات سپهر تهران، جلد اول، ۱۳۷۱.
- ۳۴- میلانی، علیرضا، نگرشی برای اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، نشر میزان، چاپ اول پاییز ۱۳۸۶.
- ۳۵- مصدق، محمد، نوآوری های قانون جدید آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل ۱۳۹۴.
- ۳۶- ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی طرفانه در امور کیفری، نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۳۷- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، نشر دادگستر، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۷۹.
- ۳۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۳۹- زراعت، عباس، مهاجری، علی، شرح قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، ۱۳۷۸.
- ۴۰- محمد نسل، غلامرضا، ترجمه: مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵.
- ۴۱- ناصرزاده، هوشنگ، آیین دادرسی کیفری، سلب آزادی تن، بازداشت و حبس در حقوق ایران، نشر دیدار، پاییز ۱۳۷۳.
- ۴۲- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۵.